

بازداشت راننده «هوو» بعد از تخریب در مسجد مقدس جمکران



گروه حوادث/ راننده یک دستگاه تریلی که در اقدامی عجیب با تخریب یکی از درهای محوطه بیرونی مسجد مقدس جمکران وارد حیاط شده بود، توسط پلیس بازداشت شد. به گزارش فارس، حدود ساعت ۴ بامداد یکشنبه یکم اسفندماه راننده یک تریلی «هوو» بعد از تخریب در ورودی به محوطه مسجد مقدس جمکران وارد اما منحرف و متوقف شد. بررسی اولیه نشان می دهد متهم در هنگام حادثه حالت طبیعی نداشته است. راننده تریلر که در خودرو مقادری بنزین نیز به همراه داشت، با اقدام بموقع خدام و حراست مسجد دستگیر شد. تحقیقات از راننده برای یافتن انگیزه وی از این اقدام ادامه دارد. بر اساس این گزارش، پس از ورود تریلی، زائران و مجاوران به خارج از صحن صاحب الزمان هدایت شدند و بلافاصله امنیت کامل در این صحن مسجد جمکران برقرار شد.

هشدار پلیس:

مراقب شرکت های خدماتی غیر مجاز باشید

گروه حوادث/ رئیس اداره فرهنگی و اجتماعی پلیس آگاهی نسبت به فعالیت قالیبوشی های غیرمجاز در آخرین روزهای سال هشدار داد.

سرهنگ شهاب امینی در این باره گفت: بررسی های پلیسی نشان می دهد در روزهای پایانی سال، عده ای متقلب و سودجو با درج آگهی های دروغین و گمراه کننده در معابر و فضای مجازی، سعی در فریب برخی شهروندان دارند. شرکت های خدماتی و قالیبوشی غیرمجاز به طور معمول با سوءاستفاده از اسامی شرکت های معتبر و ارائه شماره تلفن و آدرس های جعلی نظر متقاضیان را جلب و بلافاصله پس از ارتکاب جرم از پاسخگویی به تلفن خودداری و متواری می شوند.

سرهنگ امینی تصریح کرد: شهروندان باید قبل از اعتماد به این قبیل شرکت ها، نسبت به صحت ادعاهای مطرح شده از طریق استعلام از اتحادیه مربوطه اقدام و با مشاهده کارت شناسایی افرادی که برای انجام امور نظافتی یا بردن قالی برای قالیبوشی مراجعه می کنند، هویت فرد و شرکت موردنظر را به درستی احراز نمایند.

رئیس اداره فرهنگی و اجتماعی پلیس آگاهی همچنین از هموطنان خواست خدمات موردنیاز خود را از شرکت های معتبر و شناسنامه دار دریافت کرده و مراقب عواقب درخواست نیرو از شرکت های بی نام و نشان و مهم تر از آن، سرقت اموال با ارزش خود باشند.

دیوار مغازه روی سر ۴ مرد خراب شد



گروه حوادث/ سقوط دیوار یک مغازه در شهرستان بابل روی خودرو و ۴ مرد رهگذر آنها را تا یک قدمی مرگ کشاند. به گزارش روابط عمومی اورژانس بابل، روز شنبه خبر سقوط دیوار یک مغازه روی یک خودرو و ۴ مرد جوان به اورژانس اعلام شد. پس از دریافت این گزارش بلافاصله مرکز دیسپچ اورژانس پیش بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی (اورژانس ۱۱۵) اکیپ از تکنسین روز حادثه از همسرم پایگاه و پیچاکلا را به محل حادثه اعزام کرد. نخستین بررسی ها نشان می داد ۴ مرد ۲۴، ۳۱، ۳۴ و ۴۲ ساله دچار آسیب دیدگی مولتی تروما و هدرتروما شدند. تکنسین های اورژانس پس از اقدامات درمانی مصدومان حادثه را به بیمارستان شهید بهشتی بابل منتقل کردند. علت حادثه از سوی کارشناسان در حال بررسی است.

مرگ زن جوان به خاطر کتک های همسر

گروه حوادث/ مرد جوان که به خاطر بیکاری و بی پولی با همسرش درگیر شده بود با کتک زدن وی مرگش را رقم زد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۱ شب شنبه ۳۰ بهمن، مأموران کلانتری ۱۵۷ مسعودیه در تماس با بازپرس محمدرضا صاحب جمعی از قتل زن جوانی در خانه اش خبر دادند. وقتی تیم جنایی در محل حاضر شد با جسد زن جوان در حالی رویه رو شدند که پسر ۸ ماهه اش در کنار جسد مادر گریه و بی قراری می کرد. شوهر مقتول که در خانه حضور داشت ضمن اعتراف به قتل همسرش در تحقیقات اولیه گفت: من تراشکار بودم اما مدتی است که بیکار شده ام و مستاجر هستم. وضع مالی خیلی بدی داشتم روز حادثه از همسرم خواستم که از پدر و مادرش پولی قرض بگیرد تا بتوانیم خانه ای تهیه کنیم. سر همین مسأله بین ما دعوا شد و من که بشدت عصبانی شده بودم شروع به کتک زدن همسرم کردم. به خودم که آمدم دیدم همسرم بی هوش روی زمین افتاده است. هرکاری کردم همسرم به هوش نیامد. فوراً با اورژانس تماس گرفتم و زمانی که اورژانس آمد مرگ همسرم را تأیید کرد. متهم که بشدت ناراحت و پشیمان بود به دستور بازپرس شعبه ششم دادرسی امور جنایی پایتخت در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار داده شد و تحقیقات ادامه دارد.

گروه حوادث/ مرجان همایونی:

زن جوان وقتی از پنجره خانه اش داخل حیاط همسایه را نگاه می کرد با دیدن جسدی که شبیه مومیایی پوشانده شده بود راز قتل مرد میل ساز را فاش کرد.

کارآگاه بازی زن همسایه راز جسد مومیایی را فاش کرد



دو سالی می شود که باهم کار می کنیم. درست است که رابطه خیلی دوستانه ای نداشتیم، اما دشمن هم نبودیم و دلم نمی خواست که کشته شود. من آن شب از ترس اینکه باران میل های مشتری ها را خراب نکند با او درگیر شدم مقتول اجازه نمی داد میل ها را به داخل بیاورم همین باعث عصبانیت من شد و الان هم از کاری که کرده ام پشیمانم.

فوت کرد و ۱۲ سالم که بود پدرم را هم از دست دادم. کم کم وارد بازار کار شدم و در هر صنفی هم وارد شدم و کار کردم. از ساخت و ساز گرفته تا پوشاک و میل سازی. در کار پوشاک ورشکسته شدم و همان موقع ها بود که با برادر زن مقتول آشنا شدم. زمانی که وارد کار تعمیرات و ساخت میل شدم، بعد از مدتی برادرزن مقتول، مرا به او معرفی کرد.

او را از کارگاه بیرون فرستادم تا راز این قتل برملا نشود. بعد از رفتن شایان به سراغ جنازه رفتم و شروع کردم با پارچه و ابرو پارچه هایی که داخل کارگاه بود، جسد را شبیه مومیایی پیچیدم. با خودم گفتم جنازه را به زیرزمین می برم که از جلو دید دور شود، بعد یا داخل زیرزمین دفن می کنم یا به نحوی سر به نیستی می کنم. آن زمان تنها چیزی که فکر می کردم این



بود که جنازه را کسی نبیند و اصلاً تصور نمی کردم زمان انتقال جسد به زیرزمین، کسی مرا دیده باشد. تازه در فکر این بودم که با جنازه چه کنم که مأموران سر رسیدند. اهل کجاستی؟
مادر سوری و پدرم پاکستانی است و خودم هم در سوریه به دنیا آمدم. ۳۱ سال قبل به ایران آمدم، در چنگی مادرم

گفت و گو با متهم

چرا همکاری را کشتی؟
من با او اختلافی نداشتم، قتل خیلی ناگهانی و ناخواسته رخ داد و من از کاری که کرده ام به شدت پشیمانم.
از چه زمانی او را می شناختی؟
این خانه ویلایی که به کارگاه ساخت و تعمیر میل تبدیل شده متعلق به پدرزن و برادرزن مقتول بود. من هم دو سالی می شد که در اینجا مشغول به کار شده بودم. جمعه شب میل های ساخت مقتول داخل سالن بود و میل هایی که کار تعمیر و ساخت آن را من به عهده داشتم داخل سالن بود. به او گفتم هوا ابری است و به احتمال زیاد باران بیارد بهتر است من هم میل ها را بیارم داخل تا آسیب نبیند. اما او اجازه نداد و گفت نگران نباش باران نمی بارد. سر همین موضوع بین من و مقتول جر و بحث در گرفت و کم کم این جر و بحث به فحاشی کشیده شد. در این میان او ناگهان به من سیلی زد، من که به شدت خشمگین و عصبانی شده بودم، ناخودآگاه میله آهنی را که کنار سالن بود برداشتم. چشم هایم را بستم و شروع کردم به ضربه زدن، تصور می کردم که ضربه ها را به بدن و کنکش می زدم ولی چشم هایم را که باز کردم دیدم ضربه ها به سر او اصابت کرده و خونین روی زمین افتاده است.

چرا جسد را شبیه مومیایی بسته بندی کردی؟
می خواستم آن را مخفی کنم بلافاصله جسد را لایه لای میل ها مخفی کردم و در اتاق را هم قفل کردم. ما یک همکار دیگر به نام شایان داشتیم، ساعتی بعد شایان آمد اما برای اینکه به ماجرا پی نبرد ساعت ۵ صبح به بهانه انتقال بار به کرج،

به گزارش «ایران»، ظهر شنبه ۳۰ بهمن زن جوانی هراسان با پلیس تماس گرفت و در حالی که صدایش می لرزید، گفت: همین الان پشت پنجره اتاقم ایستاده بودم و با تلفن صحبت می کردم که ناگهان با صحنه عجیبی رو به رو شدم. مقابل خانه ما ساختمانی قرار دارد که مدت ها است به کارگاه تولیدی و تعمیرات میل تبدیل شده است. من در کمال ناباوری مردی را در حیاط آنجا دیدم که یک جسد را روی زمین می کشاند و به داخل زیرزمین کارگاه می برد. با دیدن این صحنه تلفن را فوری قطع کردم و با موبایلم چندین عکس از انتقال جسد گرفتم.

به دنبال تماس زن جوان، موضوع از سوی مأموران کلانتری ۱۴۰ باغ فیض به بازپرس محمدرضا صاحب جمعی اعلام شد. با اعلام این خبر تیم جنایی به محل حادثه که ساختمانی در خیابان حیدری مقدم در بزرگراه اشرفی اصفهانی بود، راهی شدند.

با ورود به خانه، مأموران با جسد مردی که داخل پارچه ای سفید شبیه مومیایی پیچیده شده بود رو به رو شدند. مرد جوانی نیز که به زبان خاصی صحبت می کرد و ایرانی نبود در محل حضور داشت که بلافاصله بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت. در بررسی های اولیه تیم تحقیق مشخص شد از زمان مرگ حدود ۱۲ ساعت می گذرد و متخصصان پزشکی قانونی، علت اولیه مرگ را اصابت جسمی سنگین به سر اعلام کردند. مرد جوان در تحقیقات اولیه به قتل همکاری اعتراف کرد و به دستور بازپرس شعبه ششم دادرسی امور جنایی تهران در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شد. تحقیقات در رابطه با این جنایت ادامه دارد.

قصاص شوهر به خاطر قتل و دفن همسر در دیوار

گروه حوادث/ کامران علمدهی: مردی که متهم است پس از قتل همسرش جسد او را داخل دیوار خانه اش دفن کرده بود به قصاص محکوم شد.
به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، حدود دو سال قبل مرد جوانی با مراجعه به پلیس از ناپدید شدن همسرش خبر داد و گفت: همسرم از روز قبل که از خانه خارج شد دیگر برگشت، همه جا سر زدم اما کسی از او خبر ندارد. در ادامه مأموران پلیس تحقیقات شان را آغاز کردند و سراغ خانواده زن جوان رفتند. اما آنها مدعی شدند ماجرای ناپدید شدن دخترشان زیر سر شوهرش است؛ چرا که آنها با هم بر سر مسائل مختلف بخصوص مسائل مالی اختلاف شدید داشتند و دخترشان قصد جدایی

مدتی بود به همسرم سوءظن پیدا کرده بودم تا اینکه تصمیم گرفتم او را بکشم. روز حادثه پس از جر و بحث زیاد، شالش را دور گردنش انداختم و خفه اش کردم، چون خودم بنایی بلد بودم جسدش را لای دیوار خانه گذاشتم و با سیمان و گچ رویش را پوشاندم و درز دیوار را به طور کامل بستم تا اثری از او باقی نماند. پس از اعتراف هولناک مرد جنایتکار و اطلاع خانواده مقتول، این بار آنها با حضور در دادسرا عنوان کردند که دامادشان در مورد سوءظن به همسرش دروغ می گوید و این موضوع را بهانه ساختن و فقط به خاطر اختلاف مالی دست به قتل زده است. در ادامه رسیدگی به پرونده، مأموران سراغ محل دفن جسد رفتند و بقایای

نذر از شمنند بانوی یزدی برای شفای پدرش

گروه حوادث/ بانوی نیکوکار یزدی با فروش انگشتر خود و واریز پول آن به حساب ستاد دیه استان یک زندانی غیر عمد مالی را آزاد کرد.
به گزارش خبرنگار یزدی فارس در یزد، ظهر دیروز یک بانوی یزدی با مراجعه به ستاد دیه استان مبلغ ۱۶ میلیون تومان را به حساب ستاد دیه واریز زمینه آزادی یک زندانی غیر عمد مالی را فراهم کرد.
این بانوی یزدی درباره انگیزه خود از اقدام خدایسندانه اش گفت: پدرم به بیماری سختی مبتلا در بیمارستان بستری شد، در همان ایام نذر کردم که در صورت شفای پدرم انگشتر خود را بفروشم و صرف کار خیری کنم. به محض شفای پدرم انگشتر خود را فروختم و تصمیم گرفتم تا هزینه آن را صرف آزادی یک پدر گرفتار در زندان کنم و شادی شفای پدرم را با یک خانواده دیگر تقسیم کنم.

درگیری مرگبار دو مشتری در فلافل فروشی

گروه حوادث/ معصومه مرادپور: پسر جوان که برای خرید فلافل وارد یک ساندویچی شده بود به دنبال درگیری لفظی با دو مشتری دیگری از آنها را به قتل رساند.

به گزارش «ایران» رسیدگی به این پرونده از ۲۸ بهمن به دنبال درگیری چند پسر جوان در یک فلافل فروشی در یکی از محله های شهریار شروع شد. خیلی زود اکیبی از مأموران گشت کلانتری در محل درگیری حضور یافتند و با پیگیری جان پسر ۲۷ ساله ای رویه رو شدند که روی زمین افتاده بود. تیم پزشکی خیلی سریع برای نجات پسر جوان در محل حاضر شدند اما تلاش آنها بی فایده بود. با اعلام مرگ مهرشاد بازپرس کشیک قتل خودش را به صحنه جنایت رساند و در نخستین گام دستور داد جسد پسر جوان به پزشکی قانونی منتقل شود. در ادامه تحقیقات کارآگاهان جنایی دریافتند که پسر جوانی به نام احمد که ۲۹ سال سن دارد و ضایعات جمع می کند وارد مغازه فلافل فروشی شده و با دو پسر جوان که مشتری مغازه بودند درگیر شده است اما در ادامه درگیری در اثر ضربه به ناحیه سر یکی از آنها را کشته است. کارآگاهان پس از کنترل دوربین مدار بسته مغازه ساندویچی توانستند صحنه جنایت را بازبینی کنند. عوامل قتل که در صحنه جنایت حضور داشت



خیلی زود پابه فرار گذاشت من قبول دارم که مرحوم در اثر ضربه های من مرده است اما من برای دفاع از خودم با آنها درگیر شدم به شدت از این حادثه ای که رخ داده است پشیمانم و نمی دانم با گرفتار شدن من چه بلایی سر خانواده ام خواهد آمد آنها غیر از من کسی را ندارند. به دنبال اعتراف های این متهم او به اتهام قتل عمد بازداشت شد و هم اکنون پس از تکمیل پرونده شخصیت (که توسط مرکز اداره مشاوره معاونت اجتماعی تهیه می شود) به دادسرا منتقل شده است.

تصادف خونین در بلوار خیام مشهد



گروه حوادث/ برخورد شدید دو خودرو در بلوار خیام مشهد منجر به مرگ ۲ سرنشین خودرو شد.
سر آتشبار احمد صفائیان، افسر نگهبان آتش نشانی مشهد در این باره گفت: بامداد یکشنبه در پی تماس تلفنی با سامانه ۱۲۵ مبنی بر تصادف رانندگی دو خودروی پژو ۲۰۶ و پراید در بلوار خیام مشهد، بلافاصله آتش نشانیان و تیم امداد و نجات ایستگاه شماره ۳ به محل حادثه در تقاطع خیام- ارشاد این شهر اعزام شدند. با حضور آتش نشانیان در محل مشخص شد، سواری ۲۰۶ و پراید که هر کدام ۲ سرنشین داشتند به دلیل نامعلومی با یکدیگر برخورد کردند. شدت حادثه به حدی بود که ۲ مرد از سرنشینان پژو در دم فوت شده و ۶ سرنشین دیگر هر دو وسیله نقلیه مجروح و تعدادی هم در لابلای آهن پاره های خودروها محبوس شده بودند. صفائیان تصریح کرد: نجاتگران آتش نشانی ضمن رعایت کامل نکات ایمنی، محبوس شدگان را رهاسازی و برای انتقال به بیمارستان به تکنسین های اورژانس حاضر در محل و پیکر ۲ جان باختار این حادثه را نیز برای سیر مراحل قانونی به عوامل انتظامی تحویل دادند. گفتنی است: علت دقیق این حادثه از سوی کارشناسان پلیس راهور مشهد در دست بررسی است.